



نخستین کنفرانس ملی



چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCI-conf.ir



گزارشگری مالی در شرایط عدم ثبات اقتصادی

مهدی علی نژاد ساروکلانی^a، رعنا کمالی^b
^a استادیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
^b دانشجوی دکترای حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: مهدی علی نژاد ساروکلانی (۰۹۱۱۲۲۳۹۲۰۹۹) mehdi12may@yahoo.com

چکیده

سیاست‌های اقتصادی از جمله پولی، مالی، نظارتی و امور مالیاتی، محیط‌هایی را که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند شکل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های بارز هر محیط اقتصادی، عدم ثبات اقتصادی است. نااطمینانی شرایطی است که در آن یا پیشامدهای ممکن که در آینده اتفاق می‌افتد مشخص و معلوم نیست یا اینکه در صورت مشخص بودن، احتمال وقوع آنها یا تابع توزیع احتمال آنها نامشخص است. یکی از مهمترین نشانه‌های وجود نااطمینانی در یک سیستم اقتصادی، نوسان بالا و شدید در متغیرهای اقتصادی است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، یکی از دلایلی که بخش خصوصی تمایل کمتری به ورود به عرصه اقتصاد دارد، نوسانات متغیرهای اقتصادی است. این نوسانات در بردارنده ریسک هستند و هرچه عدم اطمینان در عرصه اقتصاد بیشتر باشد، ریسک بیشتر می‌شود. با توجه به عدم ثبات اقتصادی و تغییرات مداوم در عوامل محیطی و سیستم‌های اقتصادی هر روز ریسک‌های متفاوتی بر ساختار مالی و اقتصادی اثر می‌گذارند. هدف این پژوهش گزارشگری مالی در شرایط عدم ثبات اقتصادی است. بنابراین برای بررسی گزارش‌های مالی و ارتباط آن با عدم ثبات اقتصادی، گزارشگری مالی با مدیریت سود و حسابداری ارزش منصفانه اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان دادند که عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی، اطلاعات جدید کمتری را به شرکت‌ها منتقل می‌کند که این امر انگیزه مدیران را برای دستکاری ارقام حسابداری در جهت پیامد گزارشگری مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: عدم ثبات اقتصادی، عدم اطمینان، گزارشگری مالی.

۱. مقدمه

تحولات سیاسی اخیر در سراسر جهان منجر به افزایش شدید عدم ثبات اقتصادی شده است. رویدادهایی مانند نتیجه همه‌پرسی برگزیت و جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین نشان‌دهنده افزایش عدم اطمینان در سیاست اقتصادی جهانی است. ایالات متحده، به ویژه، از سال ۲۰۰۰ یک دوره پرتلاطم از عدم ثبات اقتصادی را تجربه کرده است، همچنین به دلیل ساختار نظام سیاسی آن که اغلب منجر به چندپارگی می‌شود. تعطیلی دولت ایالات متحده در اکتبر ۲۰۱۳ و در دسامبر ۲۰۱۸ در رابطه با بودجه فدرال تنها دو نمونه از رویدادهایی است که باعث عدم اطمینان سیاست اقتصادی می‌شود (نیویورک تایمز^۱، ۲۰۱۹). تا به امروز، پاسخی برای این سوال که آیا شرکت‌ها در شرایط عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی باید از تکنیک‌های حسابداری برای تأثیرگذاری بر نتایج گزارشگری مالی استفاده کنند؟ وجود نداشته است. (علی‌فیری، ۱۴۰۱). نااطمینانی وضعیتی است که وقایع آینده و یا احتمال رخ دادن آن‌ها پیش‌بینی نشده است. در دنیای واقعی، اقتصاد سرشار از نااطمینانی عوامل اقتصادی است که به بروز ریسک و مخاطره در فضای تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی منجر شده و رفتار آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نااطمینانی وقتی وجود دارد که با اتفاقات آینده مشخص و معلوم نباشد و یا با وجود مشخص بودن اتفاقات آینده، احتمال آن‌ها قابل پیش‌بینی نیست. به

^۱ The New York Times

[Type here]



نخستین کنفرانس ملی



چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCII-conf.ir



بیان دیگر، علت اصلی نااطمینانی نبود دانش پیش‌بینی است. در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری برای آینده پیچیده و مشکل‌می‌شود و بر تصمیمات عاملان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نااطمینانی اقتصادی را می‌توان سیاست‌های دولت‌ها عنوان کرد که با توجه به افق زمانی محدود خود سیاست‌های مورد نظر را طراحی می‌کنند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، تحقیقات حسابداری موضع قطعی در مورد اینکه آیا انتخاب تکنیک‌های حسابداری در گزارشگری مالی تحت تأثیر عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی، که یکی از عامل مهم اقتصاد کلان مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های شرکت در محیط تجاری تأثیرگذار است، ارائه نکرده است. مطالعات انجام شده در این حوزه مانند ویژگی‌های شرکت (وجود طرح‌های پاداش، اندازه شرکت یا تعهدات بدهی)، قوانین حسابداری (تغییرات در مقررات حسابداری) یا رویدادهای خاص (پیشنهاد عرضه اولیه، بدهی یا موضوع حقوق صاحبان سهام) انگیزه‌هایی برای مدیران ایجاد می‌کند تا بر گزارشگری مالی تأثیر گذار باشند با این حال، این مطالعات محیط کلان اقتصادی شرکت را در نظر نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، چنین مطالعاتی شرایط اقتصاد کلان را ثابت در نظر می‌گیرند یعنی شرایط کلان اقتصادی بر نتایج گزارشگری مالی تأثیری ندارند. مطالعات دیگری نیز بررسی کردند که آیا شرکت‌ها سود گزارش شده را در طول رویدادهای غیراقتصادی دستکاری می‌کنند که نوعی عدم اطمینان را به شرکت‌ها القا می‌کند، مانند تغییر شرایط حسابداری و یا نظارتی، تغییر در تنظیم استانداردها و مقررات حسابداری، قوانین جدید که اختیارات مدیریتی را محدود می‌کند، رفتار ریسک‌گریزی و غیره.

این مطالعات نشان می‌دهد که تمایل مدیران به درگیر شدن در مدیریت سود در طول رویدادهایی که سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد بیشتر است. عدم ثبات اقتصادی از طریق تأثیر آن بر قیمت گذاری، قیمت گذاری مجدد، سرمایه گذاری، واگذاری و تصمیمات جریان نقدی می‌تواند سود یک شرکت را کاهش دهد. با این حال، در مبانی نظری به رابطه بین عدم ثبات اقتصادی و گزارشگری مالی توجه کمتری شده است. با وجود اینکه تکنیک‌های گزارشگری مالی یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که مدیران می‌توانند برای به حداقل رساندن اثر منفی عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی بر صورت‌های مالی استفاده کنند، در نتیجه این شکاف تحقیقاتی با ارائه یک پژوهش مروری از رابطه بین گزارشگری مالی و عدم ثبات اقتصادی پر می‌شود.

۲. ادبیات پژوهش

اگرچه شرکت‌های مالی در مقایسه با شرکت‌های غیرمالی بیشتر تحت تأثیر عدم ثبات اقتصادی قرار می‌گیرند، اقتصاد بین‌الملل به طور چشمگیری تحت تأثیر عدم ثبات در سطح جهانی به دلیل رشد انجمن‌های اساسی قرار می‌گیرد. تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها در سطح ملی و جهانی اغلب باعث ایجاد اختلال در سطح اعتماد مصرف‌کننده می‌شود. مذاکرات در ادبیات مربوط به رابطه بین عدم اطمینان سیاست و اعتماد مصرف‌کننده پس از بحران مالی جهانی و اخیراً پس از همه‌گیری ویروس کرونا افزایش یافت. تمرکز این پژوهش بر تأثیر عدم ثبات اقتصادی بر گزارش‌دهی مالی شرکت‌های مالی و غیرمالی است، زیرا گزارشگری مالی به‌عنوان راهی برای اطلاع‌رسانی عملکرد مالی و موقعیت مالی شرکت‌ها در زمان‌های عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی عمل می‌کند. بنابراین، ما با بحث در مورد اهداف متفاوت گزارشگری مالی شروع می‌کنیم تا به روشن شدن این موضوع کمک کنیم که اطلاعاتی که تدوین‌کنندگان استاندارد از شرکت‌ها می‌خواهند در صورت‌های مالی ارائه کنند، تصمیم‌گیری مفید و ارزش مرتبط با بازارهای سرمایه و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است. در ادامه شواهدی را در مورد اینکه آیا عدم ثبات سیاست اقتصادی باعث ایجاد ریسک می‌شود ارائه می‌دهد اطلاعاتی که مدیران از آن برای قضاوت مناسب در مورد ارزش و ریسک دارایی‌ها و بدهی‌ها استفاده می‌کنند. همچنین شواهد تحقیقاتی موجود را خلاصه و در صورت لزوم، پیشنهادهایی را در رابطه با بهبودهای احتمالی در گزارشگری مالی در شرایط عدم ثبات اقتصادی ارائه می‌کنیم. در نتیجه تجزیه و تحلیل‌ها عدم اطمینان سیاست اقتصادی منجر به تغییر در تکنیک‌های گزارشگری مالی می‌شود. با توجه به اینکه مدیران در پاسخ به عدم ثبات اقتصادی می‌توانند از تکنیک‌های حسابداری در گزارشگری مالی برای تنظیم اطلاعات مالی خود در محیط کسب و کار استفاده کنند. این نتیجه‌گیری با تحلیل‌های علمی دیگر مانند پیوند بین عدم ثبات اقتصادی و رفتار شرکت سازگار است.

این پژوهش از دو جنبه به مبانی نظری کمک می‌کند:

- ❖ اولاً، با نشان دادن این موضوع که عدم ثبات سیاست اقتصادی بر گزارش مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، به مبانی نظری گزارشگری مالی کمک می‌کند. در واقع عدم ثبات اقتصادی از طریق کاهش جریان نقدی و درآمد بر گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد. همچنین دریافتی از مشتریان و افزایش هزینه‌های

[Type here]

آدرس دبیرخانه: اردبیل، شهرک کارشناسان، بالاتر از میدان وصال، خ مدیریت، مرکز آموزش علمی و کاربردی سازمان مدیریت صنعتی

تلفن تماس: ۰۹۰۲۳۸۴۵۱۶۷

Mci-conf.ir



نخستین کنفرانس ملی



مرکز آموزش علمی کاربردی مدیریت صنعتی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCII-conf.ir



عملیاتی از سوی تامین‌کنندگان، که می‌تواند مدیران را برای تسریع درآمدهای آتی به سال جاری و به تعویق انداختن هزینه‌های جاری به سال‌های آینده تحت تأثیر قرار دهد تا از بدتر شدن کیفیت صورتهای مالی خود در زمان عدم ثبات اقتصادی محافظت کنند.

❖ ثانیاً، به مبانی نظری رو به رشد عدم ثبات اقتصادی کمک می‌کند. و با گسترش بحث عدم ثبات اقتصادی به گزارشگری مالی بیان می‌کند که چگونه عدم ثبات سیاست روی عملکرد حسابداری، به ویژه گزارشگری مالی تأثیر گذار است.

از نظر هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی هدف گزارشگری ارائه اطلاعات مفید برای سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان بالقوه و بالفعل و سایر کاربرانی است که تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعتباری و تخصصی اتخاذ می‌کنند. این هدف خاص از گزارشگری مالی عمدتاً برای گزارشگری مالی با هدف کلی برای همه شرکت‌ها، صرف نظر از صنعت اعمال می‌شود (بارث و لندزمن^۱، ۲۰۱۰). این دو هیات صراحتاً به مدیران اختیار ایجاد تغییرات حسابداری را در پاسخ به عدم ثبات سیاست یا تغییرات غیرمنتظره را نمی‌دهد، اما به مدیران این اختیار را می‌دهد که بر شناسایی و زمان بندی اقلام تعهدی تأثیر بگذارند.

عدم ثبات در گزارشگری مالی، به طور کلی ناشی از این است که آیا مقررات حسابداری آینده توانایی مدیران را برای قضاوت در مورد شناسایی و زمان بندی اقلام تعهدی در گزارشگری مالی محدود می‌کند یا خیر. با این حال، زمانی که استانداردهای حسابداری کافی برای مدیران در اعمال اختیار خود در شناسایی برخی معاملات در گزارشگری مالی ایجاد می‌کند، چنین عدم اطمینانی کاهش می‌یابد. در حالی که تحقیقات قبلی تأثیر عدم ثبات اقتصادی بر گزارشگری مالی را بررسی نکرده‌اند، ولی مطالعاتی تأثیر عدم ثبات اقتصادی را در چندین زمینه و رویداد حسابداری بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال، میهو و همکاران^۲ (۲۰۰۱) تأثیر عدم ثبات حسابداری بر عینیت حسابرس بررسی کردند. و به این نتیجه رسیدند که وجود عدم ثبات حسابداری با ترغیب حسابرسان به گزارش غلط برآوردهای حسابداری به نفع مدیران، عینیت حسابرسان را مختل می‌کند. چن و همکاران^۳ (۲۰۱۳) نشان دادند که مدیران در شرکت‌هایی که عدم اطمینان اطلاعاتی پایینی دارند، برای اهداف اطلاعاتی اقدام به مدیریت سود می‌کنند، در حالی که مدیران در شرکت‌هایی با عدم ثبات اقتصادی بالا، برای اهداف فرصت‌طلبانه درگیر مدیریت سود هستند. کورمیر و همکاران^۴ (۲۰۱۳) نشان دادند که یک رابطه مثبت بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعات را در بین شرکت‌های کانادایی وجود دارد همچنین رابطه مثبت بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعات برای شرکت‌های کانادایی که در محیط‌هایی با نوسانات فروش بالا ضعیف می‌شود. یافته‌های آنها حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران تشخیص مدیریت سود در محیط‌های نامطمئن را دشوار متوجه خواهند شد و نشان دادند که گزارشگری مالی در محیط‌های نامشخص نسبتاً مبهم است. هوی هوی^۵ (۲۰۱۰)، نشان داد که عدم ثبات محیطی بالا منجر به اقلام تعهدی اختیاری بالاتر می‌شود و ارتباط مثبت برای یک شرکت موفق ضعیف تر از شرکت های ناموفق است. در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهد که عدم ثبات بیشتر، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد، که در نهایت پیامدهایی برای ارتباط ارزش و سودمندی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران دارد.

عدم ثبات اقتصادی به عدم اطمینان در مورد سیاست‌های اقتصادی فعلی و آتی مانند سیاست‌های پولی، سیاست‌های مالی یا سیاست‌های نظارتی اشاره دارد عدم ثبات اقتصادی عمدتاً از تغییر سیاست‌های اقتصادی موجود در آینده نزدیک یا تأثیر ناشناخته سیاست‌های اقتصادی جدید ناشی می‌شود. عدم ثبات سیاست اقتصادی منابع زیادی دارد. ممکن است ناشی از عدم اطمینان تورم، فشارهای رکودی، کاهش وام، افزایش نرخ بیکاری، کاهش ناگهانی ارزش پول، افزایش کسری مالی، تغییر در دولت، انتخابات، سیاست‌های مالیاتی نامشخص، افزایش قطبی شدن سیاسی، کسری بودجه، تغییر در دولت‌ها پس از انتخابات یا جنگ‌های تجاری باشد. قابل ذکر است که بیکر و همکاران^۶ (۲۰۱۶) چهار منبع اصلی عدم ثبات اقتصادی را شناسایی کردند که عبارتند از: (۱)- گزارشات روزانه در مورد اقتصاد؛ (۲)- انقضای کد مالیاتی؛ (۳) اختلاف نظر در مورد پیش بینی‌های جامعه حسابداران رسمی (۴) اختلاف نظر بر سر پیش‌بینی خریدهای دولتی. منابع عدم ثبات اقتصادی در یک شاخص عدم ثبات اقتصادی جمع شده‌اند که به طور گسترده توسط بسیاری از مطالعات تجربی برای آزمایش تأثیر عدم ثبات اقتصادی بر رفتار شرکت و فعالیت‌های اقتصادی در مبانی نظری تحقیق استفاده شده است. در تئوری، عدم ثبات اقتصادی، به ویژه آنهایی که بر شرکت‌های

^۱ Barth and Landsman

^۲ Mayhew et al

^۳ Chen et al

^۴ Cormier et al

^۵ Huihui

^۶ Huihui

[Type here]



نخستین کنفرانس ملی



چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCII-conf.ir



خصوصی تأثیر می‌گذارد، می‌تواند بر تولید، تأمین مالی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر بگذارد. انتظار منطقی شرکت‌ها و سایر عوامل اقتصادی این است که اصول بنیادی خود را در پاسخ به عدم ثبات اقتصادی محیطی تنظیم کنند. در واقع ما پیش‌بینی می‌کنیم که عدم ثبات اقتصادی باعث می‌شود شرکت‌ها تصمیمات سرمایه‌گذاری را به تأخیر بیندازند و به عنوان یک اقدام احتیاطی، جریان نقدی خروجی را کاهش دهند، زیرا مدیران شرکت‌ها در مورد اینکه آیا سیاست‌های اقتصادی (سیاست‌های نظارتی، مالی و پولی) ممکن است در آینده نزدیک تغییر کنند یا خیر و اینکه آیا چنین تغییراتی در سیاست‌های اقتصادی ممکن است تغییر کند یا خیر، شرکت‌های خود را در یک مزیت یا ضرر رقابتی در محیط تجاری قرار می‌دهند.

ادبیات تحقیق این بخش به طور گسترده به پیشینه‌ای از این پژوهش می‌پردازد که بررسی کند که چگونه رویدادهای اقتصادی و عوامل اقتصادی بر نتایج گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد تا ببیند در مورد اینکه چگونه عدم ثبات اقتصادی ممکن است بر گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد، به دست آورد. استین و وانگ^۷ (۲۰۱۶) در پژوهشی تأثیر عدم ثبات اقتصادی را بر مدیریت سود را بررسی کردند. و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها ممکن است به طور فرصت طلبانه‌ای درآمد را از دوره‌های به دوره دیگر مدیریت و اطلاعات نامتقارنی ارائه دهند. همچنین زمانی که بازارهای مالی در مورد چشم‌انداز آتی خود نامطمئن هستند و عدم اطمینان در سطح بالایی است شرکت‌ها اقدام تعهدی اختیاری منفی‌تری را گزارش می‌کنند. کوهن و زاروین^۸ (۲۰۰۷) در پژوهشی ارتباط بین شرایط اقتصادی و تمایل شرکت‌ها به مشارکت در مدیریت سود جهت افزایش درآمد را بررسی کردند و نشان می‌دهند که تمایل شرکت‌ها به دستیابی یا فراتر از معیار سود به طور قابل توجهی با نسبت قیمت به سود، در کل بازار مرتبط است. آسجی گلو و همکاران^۹ (۲۰۱۲). در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، نقدینگی معاملات در بازارهای سرمایه را مختل می‌کند. در راستای نتایج بدست آمده نمونه بزرگی از شرکت‌های NYSE از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، بررسی نشان دادند که شرکت‌هایی که مدیریت سود بیشتری را انجام می‌دهند، نقدینگی بازار کمتری دارند و زمانی که از معیارهای واقعی و مبتنی بر اقدام تعهدی مدیریت سود استفاده می‌کنند، نتایج آنها قوی است. جین و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۹) در پژوهشی بررسی کردند که آیا عدم ثبات اقتصادی با عدم شفافیت سود بانک مرتبط است یا خیر. و به این نتیجه رسیدند که وقتی سیاست اقتصادی نامطمئن باشد، مدیران بانک‌ها تحریف اطلاعات مالی را آسان تر خواهند یافت. همچنین عدم ثبات اقتصادی می‌تواند نوسانات سود و جریان نقدی بانک‌ها را افزایش دهد، که انگیزه و فرصت بیشتری را برای مدیران بانک‌ها فراهم می‌کند تا در مدیریت سود شرکت کنند. و در نهایت نشان دادند که عدم ثبات سیاست اقتصادی به طور مثبت با عدم شفافیت سود مرتبط است، که به دلیل اندازه ذخایر زیان وام اختیاری و احتمال برآورده شدن یا فراتر رفتن از سود سال قبل است. آنها همچنین مشاهده کردند که تأثیر عدم ثبات اقتصادی بر تحریف گزارشگری مالی برای بانک‌های قوی‌تر است. فیلیپ و رافونر (۲۰۱۴) در پژوهشی تأثیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ را بر روی رفتار مدیریتی سود شرکت‌های اروپایی بررسی کردند و دریافته‌اند که هموارسازی سود، نوعی مدیریت سود، در سالهای بحران کاهش یافته است. یک توضیح احتمالی برای این نتیجه این است که مدیران ممکن است انگیزه کمتری برای دستکاری سود در سال‌های بحران به دلیل عملکرد ضعیف در سال‌های بحران داشته باشند. همچنین، ممکن است خطرات حقوقی در طول بحران افزایش یابد که می‌تواند مدیران را از مشارکت در مدیریت سود باز دارد. دیمیتراس و همکاران (۲۰۱۵). در پژوهشی پیامدهای بحران مالی جهانی را بر روی عملکرد مدیریت سود شرکت‌های اروپایی، با تمرکز بر شرکت‌های آسیب‌دیده مالی که توسط ۴ بزرگ در طول سال‌های رکود حساسی شده‌اند، بررسی کردند. و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که از نظر مالی دچار مشکل شده‌اند و توسط ۴ بزرگ حساسی شده‌اند، اقدام تعهدی اختیاری کمتری از خود نشان دادند. از سوی دیگر، سیلوا و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۴) و اوزیلی و آرون (۲۰۱۸) دریافته‌اند که مدیریت سود در طول سال‌های بحرانی بارزتر است. مکاتیل و شرر^{۱۲} (۲۰۱۸) تأثیر اصلاحات سیاسی-اقتصادی را بر کیفیت گزارشگری مالی در میان شرکت‌های مصری بررسی کردند و دریافته‌اند که اصلاحات سیاسی-اقتصادی مصر منجر به خصوصی سازی شرکت‌ها و همچنین منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی شده است.

^۷ Stein and Wang

^۸ Cohen and Zarowin

^۹ Ascioğlu et al

^{۱۰} Jin et al

^{۱۱} Silva et al

^{۱۲} Makhael and Sherer

[Type here]



نخستین کنفرانس ملی



مرکز آموزش علمی کاربردی مدیریت صنعتی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCI-conf.ir



مجموعه‌ای از مطالعات نیز پیامدهای اقتصادی گزارشگری مالی را بررسی کرده‌اند که بشرح زیر ارائه شده است. گراهام و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۵) در پژوهشی پیامدهای اقتصادی گزارشگری مالی را بررسی و پیش بینی کرد که مدیران انتظار واکنش شدید بازار به از دست دادن یک هدف سود را دارند. به همین دلیل، شرکت‌ها مایلند ارزش اقتصادی خود را برای رسیدن به هدف کوتاه‌مدت فدا کنند. در یک نظرسنجی از مدیران مالی، آنها دریافتند که ترجیح برای هموارسازی سود به قدری قوی است که ۷۸ درصد از مدیران مالی مورد بررسی، ارزش اقتصادی را در ازای درآمد هموار برای دستیابی به یک هدف کوتاه مدت سود، کنار می‌گذارند. همچنین، ۵۵ درصد از مدیران مالی مورد بررسی از آغاز یک پروژه با ارزش فعلی خالص بسیار مثبت در صورتی که منجر کاهش درآمدهای جاری باشد، اجتناب کردند. کوهن^{۱۴} (۲۰۰۳) در پژوهشی پیامدهای اقتصادی انتخاب‌های گزارشگری مالی شرکت‌ها را بررسی می‌کند و به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که برای ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالاتر، از هزینه سرمایه سهام پایین‌تری برخوردار نیستند، بلکه هزینه سرمایه خالص بالاتری دارند لی و شراف^{۱۵} (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عدم ثبات اطلاعات، مشکلات تصمیم‌گیری و مشکلات نمایندگی را تقویت می‌کند و کیفیت گزارش مالی می‌تواند این دو مشکل را کاهش داده و آنها پیش‌بینی کند، کیفیت گزارشگری مالی می‌تواند شناسایی و انتخاب پروژه را بهبود و هزینه سرمایه را کاهش دهد که به رشد اقتصادی سریع‌تر تبدیل شود. در نهایت صنایع با عدم ثبات اطلاعاتی بالا در کشورهایی با کیفیت گزارشگری مالی مناسب به طور نامتناسبی سریعتر رشد می‌کنند.

۳. یافته‌ها

حسابداری ارزش منصفانه در زمان عدم ثبات اقتصادی توسط دو هیئت استاندارد حسابداری (*IASB* و *FASB*) به عنوان قیمت توافق شده برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی توسط خریدار و فروشنده مایل تعریف شده است. با فرض اینکه هر دو طرف آگاه باشند و در تاریخ اندازه‌گیری آزادانه وارد معامله شوند. پالنا^{۱۶} (۲۰۱۴) با ارزیابی سودمندی حسابداری ارزش منصفانه برای کاربران صورت‌های مالی، استدلال می‌کند که حسابداری ارزش منصفانه به تهایلی نمی‌تواند اطلاعات مفیدی را برای ارزیابی نظارت ارائه کند و حسابداری بهای تمام شده تاریخی نیز مورد نیاز است. در نتیجه پیامد ان این است که سنجش دو گانه و سیستم گزارشگری مالی می‌تواند به کاربران صورت‌های مالی اطلاعات کاملتر و مفیدتری را ارائه دهد. در طی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، *US GAAP* و *IFRS* به شرکت‌ها اجازه دادند تا برخی از ابزارهای مالی را در ارزش منصفانه شناسایی کنند، در حالی که تغییرات حاصل در ارزش‌های منصفانه به صورت سود و زیان در طی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ شناسایی شدند. در پی این بحران، حسابداری ارزش منصفانه بخاطر بدتر کردن این بحران مالی جهانی مورد انتقاد قرار گرفت. منتقدین اینطور استدلال کردند که ارزش منصفانه بهترین معیار سنجش برای انتقال اطلاعات مفید در تصمیم‌گیری برای کاربران صورت‌های مالی در طی یک بحران مالی نمی‌باشد و انواع دیگر معیارهای سنجش از قبیل هزینه تاریخی اصلاح شده در تصمیم‌گیری مفیدتر می‌باشند. دلیل آن این است که اگر قیمت بازاری موجود و عینی وجود نداشت تا با آن برآوردهای ارزش منصفانه را تعیین کنیم، برآوردها در تصمیم‌گیری موثر نبودند زیرا مدیران این فرصت را داشتند تا آنها را طبق اهداف گزارشگری مالی خودشان دستکاری کنند. در شرایط عدم ثبات سیاست اقتصادی، شرکت‌ها قیمت کالاها و خدمات را افزایش خواهند داد و مدیران می‌توانند به طور گزینشی دارایی‌ها و بدهی‌ها یا ابزارهای مالی را که در قالب ارزش منصفانه شناسایی و تغییرات حاصل آنها را در ارزش‌های منصفانه در طی زمان عدم ثبات سیاست اقتصادی برآورد و در قالب سود یا زیان شناسایی کنند مدیران ممکن است با اتکا به قیمت‌های موجود در بازار برای تعیین برآورد ارزش منصفانه از لحاظ تصمیم‌گیری مفید و موثر واقع شوند. بعلاوه، بخاطر اینکه برخی از شرکت‌ها نسبت به بقیه بواسطه ارتباطشان با سیاست‌گذاران و مقامات دولتی در طی عدم ثبات سیاست اقتصادی به اطلاعات خصوصی رده بالا دسترسی دارند، ارزش‌های منصفانه تعیین شده توسط قیمت‌های بازاری عینی و گسترده به خودی خود ممکن است اطلاعات خصوصی و محرمانه مدیران را منعکس نکند، یعنی اینکه مقادیر ارزش منصفانه تعیین شده ممکن است در تصمیم‌گیری مفید نباشند. برای تعدیل این مشکل، ارزش‌های منصفانه در طی زمان عدم ثبات سیاست اقتصادی می‌بایست بیانگر ارزش منصفانه (یعنی قیمت بازاری تایید شده توسط شرکت کنندگان) و همچنین دیگر اطلاعات خصوصی با ارزش مرتبط به معامله باشد. به عبارت دیگر، مدیریت، مسئول

^{۱۳} Graham et al

^{۱۴} Cohen

^{۱۵} Li and Shroff

^{۱۶} Palea

[Type here]



نخستین کنفرانس ملی



چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCII-conf.ir



تنظیم قیمت‌های بازاری مشاهده شده می‌باشد تا ارزش‌های منصفانه‌داری‌های و بدهی‌ها و دیگر ویژگی‌های اطلاعاتی خصوصی با ارزش را منعکس کند. پس از انجام چنین تنظیماتی، هنوز مشاهده نشده آیا میزان حسابداری ارزش منصفانه بدست آمده، مخصوصاً در زمینه عدم ثبات سیاست اقتصادی، فاقد کیفیت لازم برای اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران و دیگر کاربران صورت‌های مالی می‌باشد.

در مبانی نظری شواهدی وجود دارد که ارزش‌های منصفانه به سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری تصمیم‌گیری سهام مرتبط می‌باشد، اما در حال حاضر، شواهدی برای ارتباط ارزش گزارشگری مالی در طی زمان‌های عدم ثبات سیاست اقتصادی وجود ندارد. مشکل اصلی که از میزان حسابداری ارزش منصفانه در طی زمان عدم ثبات بالای سیاست اقتصادی ناشی می‌شود، کیفیت اطلاعات ارزش منصفانه است. نوع اطلاعات و الگویی که برای بدست آوردن برآورد و ارزش منصفانه بکار گرفته شده می‌تواند نوسانات بیش از حد را در سود‌های گزارش شده در زمان‌های بی‌ثباتی منتقل کند و بارث^{۱۷} (۲۰۰۴) نشان داده که چنین نوساناتی می‌تواند از هر یک از موارد زیر ناشی شود:

- ❖ نوسانات اقتصادی بنیادی در قالب تغییراتی در دارایی‌ها و بدهی‌های ارزش‌های منصفانه منعکس شده است.
- ❖ نوسان ایجاد شده ناشی از استفاده یک الگوی حسابداری سنجش ترکیبی می‌باشد، یعنی اینکه نوسان ایجاد شده حاصل سنجش برخی دارایی‌ها و بدهی‌ها در ارزش منصفانه و دیگر موارد در قالب هزینه تاریخی اصلاح شده می‌باشد.
- ❖ نوسان توسط خطای سنجش در برآورد تغییرات ارزش منصفانه ایجاد شده است.

به طور کلی، نوسانات سود اغلب در زمان‌های ناپایدار بیشتر است، همانطور که در طول بحران مالی جهانی شاهد بودیم. به طور مشابه، عدم اطمینان بالای سیاست‌های اقتصادی اغلب بازارها را ناپایدار می‌کند، منجر به هزینه بالای سرمایه می‌شود. عدم ثبات سیاست اقتصادی بر سرمایه‌گذاری و تصمیمات تجاری تأثیر می‌گذارد و می‌تواند بر تصمیمات قیمت‌گذاری شرکت‌ها تأثیر بگذارد و متعاقباً بر صورتهای مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، هر گونه برآورد ارزش منصفانه تعیین شده در زمان عدم اطمینان سیاست اقتصادی ممکن است فاقد سودمندی تصمیم برای سرمایه‌گذاران باشد، زیرا چنین مقادیر ارزش منصفانه ممکن است منعکس‌کننده اطلاعات غیرحسابداری بیش از حد ناشی از عدم اطمینان سیاست مانند ترس مدیران از تغییرات قیمت در آینده باشد. بنابراین، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که مبالغ حسابداری ارزش منصفانه ممکن است بدون ارزش مربوط به زمان‌های ناپایدار و نامطمئن و ارزش مرتبط تر در زمان‌های پایدار و معین باشد. شواهدی از تحقیقات دانشگاهی که به ارزش‌های منصفانه مربوط به ارزش در زمان عدم ثبات‌های اقتصادی بپردازد، هنوز در دسترس نیست، که به رد یا تأیید این ادعا کمک کند. علیرغم استدلال فوق، ممکن است زود هنگام به این نتیجه برسیم که ارزش‌های منصفانه تعیین شده در زمان‌های عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی، ممکن است مرتبط و قابل اعتماد نباشد، اگر ارزش‌های منصفانه تعیین شده منعکس‌کننده واقعیت اقتصادی واقعی و اساسی دارایی‌ها و بدهی‌ها در تاریخ اندازه‌گیری باشد.

عدم ثبات اقتصادی ممکن است باعث تغییر بیشتر در سود گزارش شده شود. مدیران ممکن است سعی کنند از طریق مدیریت سود، اثر عدم ثبات اقتصادی بر نوسانات سود را کاهش دهند. به گفته هیلی و والن^{۱۸} (۱۹۹۹)، مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران از قضاوت در گزارش‌های مالی و ساختار معاملات برای تغییر گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند تا برخی از سهامداران را در مورد عملکرد اقتصادی اساسی شرکت گمراه کنند یا بر نتایج قراردادی تأثیر بگذارند که این خود به اعداد حسابداری گزارش شده بستگی دارد. انگیزه‌های مدیریت سود به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: انگیزه‌های مرتبط با بازار و انگیزه‌های ناشی از روابط نمایندگی. در مورد انگیزه‌های مرتبط با بازار، چندین مطالعه شواهدی را بدست آوردند که نشان می‌دهد شرکت‌ها سود را به سمت بالا مدیریت می‌کنند تا از گزارش زیان، کاهش سود یا غافلگیری منفی سود جلوگیری کنند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌ها درآمدهای خود را قبل از عرضه سهام یا عرضه‌های عمومی اولیه افزایش دادند. با توجه به انگیزه‌های مربوط به نمایندگی، مطالعات تجربی نشان می‌دهد که مدیریت سود می‌تواند به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر اجرای قراردادهای قراردادی در روابط نمایندگی استفاده شود، مانند مدیرانی که سود را دستکاری می‌کنند تا پاداش مبتنی بر سود خود را افزایش دهند یا از فسخ قرارداد بدهی جلوگیری کنند. عدم ثبات اقتصادی یک عامل مهم اقتصاد کلان است که بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و شواهدی

^{۱۷} Barth

^{۱۸} Healy, P.M. and Wahlen, J.M.

[Type here]



نخستین کنفرانس ملی



دانشگاه جامع علمی کاربردی

مرکز آموزش علمی کاربردی مدیریت صنعتی پردیس

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCII-conf.ir



وجود دارد که شرایط کلان اقتصادی می‌تواند بر کیفیت یود نیز تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، جانسون^{۱۹} (۱۹۹۹) نشان داد که ارزش مربوط به سود حسابداری به تغییرات در چرخه تجاری حساس است. جانسون نشان می‌دهد که ارتباط بین سود و بازده سهام در دوره‌های رشد نسبت به سال‌های رکودی طولانی‌تر است. جنکینز و همکاران^{۲۰} (۲۰۰۹) نشان دادند که محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده ممکن است در چرخه تجاری متفاوت باشد. آنها دریافتند که سود در طول سال‌های رکود نسبت به دوره‌های انبساطی ارزش بیشتری دارد. رابطه بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود چندان روشن نیست. این به این دلیل است که شرکت‌ها می‌توانند به‌طور اختیاری اقلام تعهدی را کاهش دهند (یعنی کاهش هزینه‌های تعهدی) تا اخبار بد ناشی از عدم اطمینان بیشتر در سیاست‌های اقتصادی را پنهان کنند و از دادن هشدار به سرمایه‌گذاران مبنی بر اینکه شرکت در زمان‌های عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی عملکرد بدی دارد، اجتناب کنند. این ممکن است انگیزه مدیران را برای کاهش اقلام تعهدی (هزینه تعهدی) برای افزایش سود در مواقع عدم اطمینان سیاست اقتصادی ایجاد کند که دلالت بر ارتباط مثبت بین عدم اطمینان سیاست اقتصادی و مدیریت سود دارد. از سوی دیگر، شرکت‌ها ممکن است در مواقع عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی، با افزایش اقلام تعهدی (هزینه‌های تعهدی) برای ایجاد ذخایر مواردی که بعداً می‌تواند برای افزایش درآمدهای آتی مورد استفاده قرار گیرد، سود کسب کنند و چنین شرکت‌هایی می‌توانند سیاست‌گذاران را برای زبان‌های اضافی خود سرزنش کنند و از آن به عنوان پوششی برای گزارش زیان‌های اضافی در زمان عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی بهره‌برند. افزایش اقلام تعهدی (مثلاً هزینه‌های تعهدی) برای گزارش زیان یا کاهش سود در مواقع عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی به عنوان راهی برای مدیران عمل می‌کند تا تأثیر منفی عدم ثبات اقتصادی را بر سود یک شرکت نشان دهند که حاکی از ارتباط بین عدم ثبات اقتصادی و مدیریت سود در شرکت‌ها می‌باشند. در حال حاضر، تنها چند مطالعه، وجود دارد که به تأثیر عدم اطمینان بالای سیاست اقتصادی بر اقلام تعهدی حسابداری می‌پردازد. نگ و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که شرکت‌های مالی ایالات متحده اقلام تعهدی حسابداری بالاتری را در پاسخ به عدم اطمینان سیاست اقتصادی بکار می‌برند، دنیسمن و همکاران (۲۰۲۰) با استفاده از نمونه بزرگی از شرکت‌های مالی ایالات متحده نشان دادند که شرکت‌های مالی ایالات متحده اقلام تعهدی را در مواقع عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی افزایش می‌دهند. یونگ و روت^{۲۱} (۲۰۱۹) یک رابطه مثبت بین عدم اطمینان سیاست و مدیریت سود را گزارش دادند. آن‌ها نشان دادند که شرکت‌ها مدیریت سود را زمانی افزایش (کاهش) می‌دهند که عدم ثبات سیاست اقتصادی بالا (کم) باشد. همچنین مدیریت سود ناشی از عدم ثبات تحت تأثیر فرهنگ ملی یا سایر ویژگی‌های سازمانی در سطح کشور نیست.

۳.۱. پیامدهای عدم ثبات سیاست اقتصادی برای شرکت‌های مالی

پیامدهای مالی عدم ثبات سیاست اقتصادی برای شرکت‌ها این است که مدیران مالی می‌توانند روش‌های حسابداری خاصی را در گزارشگری مالی دستکاری کنند تا با فرض نگرانی مدیران در مورد ریسک و درک سرمایه‌گذاران، اثرات منفی فعلی و آتی عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی بر عملکرد مالی بهبود یابد. شرکت‌هایی که دارای سیستم‌های مدیریت ریسک قوی، ممکن است با مدیریت مالی برای کاهش اثر عدم ثبات اقتصادی بر درآمد شرکت‌ها، بهتر بتوانند در برابر شوک‌های ناشی از عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی مقاومت کنند. همچنین ممکن است مدیران این گونه شرکت‌ها بتوانند از مدیریت سود برای کاهش کسری غیرمنتظره سود استفاده نمایند. مورد بانک‌ها را به عنوان مثال در نظر بگیرید. در بخش مالی، بانک‌ها به دلیل رفتار و مقررات منحصر به فرد حسابداری خود، خاص هستند. بانک‌ها نقش مهمی در تأمین اعتبار برای اقتصاد داخلی دارند. آنها ملزم به حفظ ذخایر زیان و وام برای کاهش زیان‌های اعتباری ناشی از فعالیت‌های وام‌دهی خود هستند. عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی در محیط کسب و کار می‌تواند بانک‌ها را وادار کند تا به عنوان یک اقدام احتیاطی در پیش‌بینی رویدادهای ناشناخته آتی که ممکن است بر پرتفوی وام بانک‌ها تأثیر بگذارد، ذخایر زیان و وام بیشتری را حفظ کنند و افزایش ذخایر بانکی باعث کاهش درآمد بانک‌ها می‌شود. نگرانی اصلی این است که عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی می‌تواند مدیران بانک‌ها را وادار کند که اندوخته را بیش از حد لازم نگه دارند. یعنی ذخیره بیش از حد، که می‌تواند به شدت حاشیه سود خالص و سود بانک‌ها را کاهش دهد و می‌تواند تأثیر شدیدی بر رشد اقتصادی داشته باشد. از سوی دیگر، برخی از بانک‌ها که با عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی بالا مواجه هستند، ممکن است ترجیح دهند برای گزارش فرصت‌طلبانه سودهای بالاتر، ذخایر کمتری

^{۱۹} Johnson, N

^{۲۰} Jenkins et al

^{۲۱} Yung, K. and Root, A

[Type here]



نخستین کنفرانس ملی



انجمن حسابداری
مركز آموزش علمی کاربردی مدیریت صنعتی

چالش ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

MCII-conf.ir



برای زیان وام نگهداری کنند. که احتمالاً برای جلوگیری از ضعیف بانک و اجتناب از جذب نظارت‌های نظارتی و ادراک منفی برای سرمایه‌گذاران می‌باشد. همچنین، ممکن است بانک‌های محتاط که دارای ذخایر زیان وام زیادی هستند، کمتر تحت تأثیر عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی بالا قرار گیرند و چنین بانک‌هایی ممکن است در پاسخ به عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی، مفاد اختیاری کمتری را رعایت کنند. در مورد حسابداری ارزش منصفانه در بانک‌ها، می‌دانیم که ریسک اعتباری بانک‌ها در مواقع عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و می‌توان، از استفاده گسترده از روش ارزش‌های منصفانه در زمان عدم اطمینان سیاست اقتصادی حمایت کرد زیرا استفاده از ارزش منصفانه برای ارزش‌گذاری دارایی‌ها و بدهی‌ها در زمان عدم ثبات اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش (افزایش) در ارزش بدهی‌ها شود که منجر به سود (زیان) و افزایش (کاهش) متناسب نابرابری می‌شود و در نتیجه صورتهای مالی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیاست‌گذاران باید هنگام تدوین سیاست‌هایی که باعث ایجاد عدم اطمینان در بخش مالی می‌شود، مراقب باشند، زیرا پیامدهای مهمی برای اندازه ارقام تعهدی در شرکت‌های مالی، به ویژه برای بانک‌ها وجود دارد. نهادهای نظارتی باید سیاست‌ها را به شیوه‌ای شفاف تدوین و اجرا کنند، در حالی که دولت‌ها باید سیاست‌های اقتصادی پایدار و قابل پیش‌بینی را توسعه دهند تا شرکت‌های مالی بتوانند از قبل برنامه‌ریزی کنند و تصمیم‌های حیاتی برای سرمایه‌گذاری و وام اتخاذ کنند. عدم ثبات سیاست اقتصادی نامطلوب است زیرا باعث می‌شود مدیران از اختیار خود برای دستکاری فرصت‌طلبانه ارقام تعهدی برای مدیریت سود استفاده کنند و در نتیجه کیفیت درآمد را کاهش دهند. اگرچه نهادهای نظارتی می‌توانند انضباط حسابداری بیشتری را برای محدود کردن دستکاری مدیران در زمان عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی اعمال کنند، چنین محدودیت‌هایی می‌تواند اثرات منفی بر صورتهای مالی شرکت‌های مالی داشته باشد و می‌تواند باعث زیان سرمایه‌گذاران شود و در نتیجه سرمایه‌گذاران را از سرمایه‌گذاری در بخش مالی منصرف شوند.

۳.۱. پیامدهای عدم ثبات سیاست اقتصادی برای شرکت‌های غیر مالی

بطور کلی، عدم ثبات اقتصادی در تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری شرکت (یونگ و روت، ۲۰۱۹) تأثیر می‌گذارد و پیامدهایی برای تصمیم‌گیری تجاری در شرکت‌ها خواهد داشت. عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی در محیط کسب و کار ممکن است اطلاعات جدید کمتری را به مدیران شرکت‌های غیرمالی منتقل کند که می‌تواند تصمیمات تولید، استخدام و سرمایه‌گذاری شرکت را تغییر دهد. هنگامی که دولت‌ها سیاست‌های اقتصادی ناپایدار و غیرمنتظره‌ای را صادر می‌کنند، چنین سیاست‌هایی شوک‌هایی را به عوامل اقتصادی منتقل می‌کند که می‌تواند شرکت‌های غیرمالی را وادار کند تا با افزایش هزینه تولید، به تعویق انداختن سرمایه‌گذاری عمده و به تأخیر انداختن تصمیم‌گیری‌ها به عنوان یک اقدام احتیاطی در برابر رویدادهای اقتصادی ناشناخته آینده واکنش نشان دهند. تغییر در تصمیمات تولید، استخدام و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در زمان عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی، اطلاعات جدیدی را به بازارها منتقل می‌کند و این تغییرات در بازارها با افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش جریان نقدی منعکس می‌شود. بنابراین صورتهای مالی شرکت‌های غیر مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در طول عدم ثبات اقتصادی، مدیران در شرکت‌های غیرمالی می‌توانند از تکنیک‌های مدیریت سود واقعی استفاده کنند که به عنوان فعالیت‌های عملیاتی عادی، سود را دستکاری می‌کنند. به عنوان مثال، مدیران شرکت‌های غیرمالی می‌توانند از تغییرات در جریان نقدی ناشی از عملیات، فروش دارایی‌های ثابت، تأخیر در انجام پروژه‌ها، کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه، کاهش هزینه‌های تبلیغات و تعمیر و نگهداری برای دستیابی به اهداف درآمدی یا سود مورد نظر استفاده کنند. یکی از مفاهیم سیاست‌گذاری این است که دولت‌ها باید با صدور سیاست‌های اقتصادی باثبات و قابل پیش‌بینی، فعالیت‌های اقتصادی را تحریک کنند که شرکت‌های غیرمالی بتوانند برای تصمیم‌گیری‌های مهم تولید، سرمایه‌گذاری و استخدام به آن تکیه کنند. سیاست‌گذاران همچنین باید عدم ثبات اقتصادی را کاهش دهد تا فعالان اقتصادی، از جمله شرکت‌ها، به طور منطقی به سیاست‌های اقتصادی که برای مداخلات موفق دولت حیاتی هستند، پاسخ دهند.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش گزارشگری مالی را تحت عدم ثبات اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. بحث اصلی در این پژوهش این بود که عدم ثبات بالای سیاست اقتصادی ممکن است اطلاعات جدید کمتری را به شرکت‌ها منتقل کند که می‌تواند انگیزه مدیران را برای دستکاری اطلاعات مالی جهت دستیابی به برخی از نتایج مطلوب

[Type here]

آدرس دبیرخانه: اردبیل، شهرک کارشناسان، بالاتر از میدان وصال، خ مدیریت، مرکز آموزش علمی و کاربردی سازمان مدیریت صنعتی

تلفن تماس: ۰۹۰۳۳۸۴۵۱۶۷

Mci-conf.ir



گزارشگری مالی تحریک کند. کیفیت گزارشگری مالی نقش حیاتی در افزایش کیفیت تصمیمات اقتصادی سرمایه‌گذاران ایفا می‌کند. ادبیات موجود نشان می‌دهد که کیفیت گزارش مالی می‌تواند عدم تقارن اطلاعات و مشکلات انتخاب نامطلوب را کاهش دهد. در نتیجه، بازار سرمایه را با افزایش نقدینگی بازار و کاهش هزینه سرمایه تحت تأثیر قرار می‌دهد. سایر مطالعات اثرات واقعی کیفیت گزارشگری مالی را از نظر سرمایه‌گذاری و استفاده از منابع در نظر می‌گیرند. در این مورد، گزارشگری مالی به فرآیند تصمیم‌گیری شرکت بازخورد می‌دهد. بنابراین، کیفیت آن می‌تواند تصمیمات مدیریتی را بهبود بخشد.

(بوشمن و اسمیت^{۲۲} ۲۰۰۱؛ لامبرت و همکاران^{۲۳} ۲۰۰۷)، کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش دهد (بعنوان مثال، بیدل و همکاران^{۲۴} ۲۰۱۳) و به نتایج اقتصادی بهتر کمک کند. به این دلایل، یک جریان رو به رشد ادبیات عوامل تعیین‌کننده کیفیت گزارش مالی را بررسی می‌کند. بیشتر این تحقیقات از دستکاری سود به عنوان نماینده‌ای برای کیفیت گزارشگری مالی استفاده می‌کنند عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر عملیات و عملکرد شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد (جولیو و یوک^{۲۵} ۲۰۱۶) و عدم تقارن اطلاعاتی را القا می‌کند (ناگار و همکاران^{۲۶} ۲۰۱۹). این می‌تواند بر کیفیت گزارش مالی شرکت‌ها تأثیر بگذارد. این مطالعه با نشان دادن اینکه عدم اطمینان اقتصادی می‌تواند بر نتایج گزارشگری مالی تأثیر بگذارد، همچنین با بررسی اثرات نامطلوب عدم ثبات اقتصادی بر رفتار شرکت به مبانی نظری پژوهش در حوزه حسابداری افزود. این موضوع مهمی است زیرا عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی در محیط کسب و کار می‌تواند شرکت‌ها را به تعدیل ناگهانی در تصمیمات تجاری خود سوق دهد و چنین تغییراتی می‌تواند بر صورت‌های مالی شرکت‌ها تأثیر بگذارد. یافته‌های این پژوهش باید مورد توجه تدوین‌کنندگان استاندارد و سیاست‌گذاران باشد، با توجه به موارد اشاره شده در مورد چگونگی تأثیر سیاست‌ها و مقررات دولتی بر شرکت‌ها، کاهش عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی باید در اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد، زیرا می‌تواند اقدامات ناخواسته شرکت‌ها مانند لابی‌گری و افزایش بی‌رویه قیمت‌گذاری را که در محیط‌های نامشخص، کاهش دهد. محدودیت این پژوهش این است که هیچ‌گونه تجزیه و تحلیل تجربی برای بررسی رابطه بین عدم ثبات اقتصادی و گزارش مالی برای شرکت‌های مالی و غیر مالی انجام نداده است. در نهایت، اگرچه این پژوهش عدم ثبات اقتصادی را به دو جنبه گزارش مالی، یعنی مدیریت سود و حسابداری ارزش منصفانه مرتبط می‌کند، ولی هنوز مشخص نیست که آیا و چگونه عدم ثبات اقتصادی بر دیگر جنبه‌های کیفیت و انتخاب‌های گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد. که این سوال را به تحقیقات آینده می‌سپاریم.

محدودیت‌های پژوهش این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشته است که از جمله می‌توان به نبود پژوهش کاربردی در زمینه گزارشگری مالی در شرایط عدم ثبات اقتصادی و چالش‌های پیش روی آن در ایران اشاره کرد.

منابع

- [۱] قربانی، بهزاد، پورطاهر اقدم، فرزانه، رهنما رودپشتی، فریدون. (۱۴۰۱). تأثیر محافظه‌کاری حسابرسان و وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسان، (۲)، ۱-۲۵.
- [۲] علیفری، ملیحه. (۱۴۰۱). تأثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی و مسئولیت اجتماعی شرکتی با تأکید بر نقش واسطه‌ای سرمایه‌فکری و تحقیق و توسعه. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۴(۵۶)، ۴۱-۵۹.

[۳] Peterson Kitakogelu Ozili Governor's Department, Central Bank of Nigeria, Abuja, Nigeria (2020): Financial reporting under economic policy uncertainty.

[۴] Sudeshna Ghosh, Scottish Church College, Kolkata, India (2021): The impact of economic uncertainty and

^{۲۲} Bushman R, Smith A

^{۲۳} Lambert et al

^{۲۴} Badertscher et al

^{۲۵} Julio B, Yook Y

^{۲۶} Nagar et al

[Type here]



financial stress on consumer confidence:the case of Japan.

[*] Abobaker Al.Al. Hadood Department of Banking and Finance, University of Zawia, Zawia, Libya, and Farid Irani, Department of Banking and Finance, Eastern Mediterranean University, Famagusta, Turkey (2020): Impact of economic sentiment and economic policy uncertainty on travel and leisure stock return.

Abstract

Economic policies, including monetary, financial, regulatory and tax affairs, shape the environments in which companies operate. One of the distinctive features of any economic environment is economic instability. Uncertainty is a situation in which either the possible events that will happen in the future are not known or if they are known, the probability of their occurrence or the function of their probability distribution is unknown. One of the most important signs of uncertainty in an economic system is high and severe fluctuations in economic variables. In developing countries, including Iran, one of the reasons why the private sector is less willing to enter the economy is the fluctuations of economic variables. These fluctuations carry risk and the greater the uncertainty in the economy, the greater the risk. Due to the lack of economic registration and continuous changes in environmental factors and economic systems, different risks affect the financial and economic structure every day. The purpose of this research is financial reporting in the conditions of economic instability. Therefore, it has been used to examine financial reports and its relationship with economic instability and financial reporting in terms of profit management and fair value accounting. The results of the research showed that the instability of economic policies conveys less new information to companies, which affects the motivation of managers to manipulate accounting figures in the direction of financial reporting.

Keywords: *Keywords: economic instability, uncertainty, financial reporting.*

[Type here]